

محاكمه غیابی، مبانی و آثار آن در حقوق کیفری بین‌الملل و حقوق ایران
مظاهر عادلنیا^۱ - محمدرضا رحمت^۲*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

چکیده:

دادرسی و محاکمه غیابی به عنوان مسئله‌ای مهم، چالش برانگیز و مورد بحث در نظام‌های حقوقی معاصر از یک طرف و در دیوان‌های کیفری بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها از سوی دیگر، مطرح می‌باشد. هر کدام از نظام‌های دادرسی کیفری برای مجاز یا ممنوع دانستن محاکمات غیابی، دلایل و توجیهاتی دارند. با هدف بررسی و تطبیق محاکمه غیابی در حقوق کیفری بین‌المللی با حقوق کیفری ایران در این مقاله تلاش شده تا موضوع «صدور احکام غیابی و مبانی و آثار آن در حقوق کیفری بین‌الملل و حقوق ایران» مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد. در مقاله حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع و متون کتابخانه‌ای به انجام رسیده است، این نتیجه حاصل شد که ممنوعیت محاکمه غیابی که در حقوق بین‌الملل کیفری مورد توجه قرار گرفته است یکی از بارزترین اموری است که محاکمه منصفانه را تضمین می‌کند.

واژگان کلیدی: دادرسی، محاکمه، غیابی، ایران

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
M.asafal390@gmail.com

^۲ - استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران: نویسنده مسئول
Rahmat@meybod.ac.ir

مقدمه

اصل دادرسی علنی اقتضاء می‌کند که متهم در جلسه محاکمه حضور داشته و از دلایل گرد-آوری شده علیه خود آگاه شود و با توجه به آنها از خود دفاع کند. (نیکویی، ۱۳۸۵: ۲۲۵؛ صابر، ۱۳۸۶: ۱۳۵) در واقع حق حضور متهم یکی از لوازم دادرسی منصفانه استحقاق محاکمه منصفانه در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر و اسناد بشردوستانه بین-المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. (شبث، ۱۳۸۴: ۱۰۷) بر پایه قسمت چهارم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی «متهم حق دارد در محاکمه حضور یافته و به شخصه یا از رهگذر وکیل برگزیده از خود دفاع کند». با وجود این، دلایل زیادی وجود دارد که رسیدگی غیابی را در مواردی، به ویژه در دادرسی‌های کیفری ملی تجویز می‌نماید. زیرا اعتبار مطلق و بی‌چون و چرای حضور طرف‌های دعوی در رسیدگی به طور مسلم موجب تضییع بسیاری از حقوق می‌گردد.

در نظام‌های حقوقی، برخورد یکسانی با مسئله محاکمه غیابی به عمل نیامده است. در نظام کامن‌لا اصل بر رسیدگی حضوری است و رسیدگی غیابی به ندرت پذیرفته شده است حال آنکه در نظام تفتیشی با مسئله محاکمه غیابی برخورد منعطف‌تری صورت می‌گیرد. فلسفه متفاوت دو نظام دادرسی کیفری نیز مبتنی بر آیین دادرسی ترافعی و تفتیشی است. فلسفه منع برگزاری محاکمه غیابی را از اصل برابری سلاح‌ها نیز می‌توان استنباط کرد. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۹۰) این اصل اشاره دارد که چنانچه فردی در معرض اتهام قرار گیرد، حق دارد از تسهیلات لازم و برابر با طرف مقابل خود بهره‌مند گردد. بنابراین، باید از دلایل و اسنادی که طرف وی به دادگاه ارائه کرده یا دادرسی‌گردآوری کرده است، آگاه شود و با داشتن زمان کافی مدارک لازم را برای دفاع از خود فراهم کند. در جلسه دادگاهی که شاکی و نماینده دادستان حضور دارند ولی از متهم دعوت به حضور نشده است، رسیدگی عادلانه مبتنی بر برابری سلاح‌ها نیست. (نیکویی، ۱۳۸۵: ۲۲۷) در نظام‌های دادرسی ملی و بین‌المللی نیز در خصوص محاکمه غیابی اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. در منشور دادگاه نورنبرگ محاکمه غیابی به رسمیت شناخته شده بود. در اساسنامه دادگاه‌های اختصاصی (موقت) محاکمه غیابی به رسمیت شناخته نشده است. در جریان طرح اساسنامه رم نیز مباحث قابل توجهی در رابطه با جواز یا عدم جواز محاکمات غیابی وجود داشت و طرفداران محاکمات غیابی چنین استدلال می‌کردند که با توجه به مشکلات عملی فوق‌العاده در ارتباط با اجبار به احضار در محاکمات بین‌المللی، محاکمات غیابی ضروری به نظر می‌رسد. (شبث، ۱۳۸۴: ۱۵۹)

حال این سوال مطرح می‌شود که، جایگاه مرور زمان اجرای احکام غیابی در نظام کیفری ایران و اساسنامه بین‌المللی چیست؟ با توجه به فرضیه برآمده در تحقیق، مرور زمان در اجرای احکام غیابی در نظام کیفری ایران و اساسنامه بین‌المللی تاثیری ندارد.

هدف تحقیق

دادرسی و محاکمه غیابی به عنوان مسئله‌ای مهم، چالش برانگیز و مورد بحث در نظام‌های حقوقی معاصر از یک طرف و در دیوان‌های کیفری بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها از سوی دیگر، مطرح می‌باشد. هر کدام از نظام‌های دادرسی کیفری برای مجاز یا ممنوع دانستن محاکمات غیابی، دلایل و توجیهاتی دارند.

به هر ترتیب با توجه به تفاوت‌هایی که در این راستا بین حقوق کیفری داخلی و محاکمات جزایی بین‌المللی وجود دارد. در این مقاله تلاش شده تا ضمن بررسی محاکمه غیابی در حقوق بین‌الملل با نگاهی تطبیقی، آثار و شرایط مورد نظر نیز مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

۱- محاکمه غیابی در دیوان‌های کیفری بین‌الملل و حقوق ایران

از بررسی موضع نظام‌های آیین دادرسی کیفری به مسئله محاکمه غیابی روشن می‌شود که این مسئله از گذشته تا کنون مورد توجه صاحب‌نظران و قانونگذاران بوده است. بیان شد که هر یک از نظام‌های دادرسی کیفری چه موضعی نسبت به محاکمه غیابی اتخاذ کرده‌اند. حقوق بین‌الملل، ساخته و پرداخته توافقات‌های حاصله بین کشورهای جهان است و به سبب تفاوت فراوان بین سیستم‌های حقوقی داخلی این کشورها، کشف یک نقطه تعادل بین دیدگاه‌های متفاوت کشورهای جهان در خصوص این مسئله امری دشوار بوده است. از سوی دیگر، تفاوت در نحوه تالیس و صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی نیز به نوبه خود باعث تفاوت در رویکرد به مسئله محاکمه غیابی در حقوق بین‌الملل شده است.

دیوان‌های کیفری بین‌المللی عنوانی است که به دادگاه‌هایی اطلاق می‌گردد که در طول تاریخ حقوق بین‌الملل، مسئولیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی خاصی را بر عهده داشته‌اند. همه این مجموعه دیوان‌ها، به جز دیوان کیفری بین‌المللی، موردی بودند و صلاحیت زمانی و مکانی محدود و خاصی داشتند.

دادگاه نورنبرگ به موجب توافقنامه کشورهای فاتح جنگ جهانی دوم تأسیس شد. به موجب این معاهده چهار جانبه بین دول امریکا، انگلستان، فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی که در هشتم اوت منعقد گردید، کشورهای امضا کننده معاهده توافق خود را برای تشکیل دادگاهی

نظامی برای محاکمه جنایتکاران جنگی اعلان کردند. تدوین اساسنامه این دادگاه نیز صراحتاً در بند دوم این معاهده پیش‌بینی شد. (صالحی، ۱۳۸۰: ۹۵)

در پی بروز درگیری‌ها و منازعات در یوگسلاوی سابق، شورای امنیت سازمان ملل متعاقب گزارش مفصل و هم‌نوا با دبیر کل سازمان ملل متحد و افکار عمومی جامعه بین‌المللی به موجب قطعنامه ۸۰۸ در اقدامی بی‌سابقه تصمیم به تشکیل دادگاه بین‌المللی برای تعقیب مسئولان نقض شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی در قلمرو یوگسلاوی سابق گرفت. پس از تصویب این قطعنامه، دبیر کل سازمان ملل طی گزارشی، تصویب مفاد اساسنامه را از آن شورا خواستار شد. شورای امنیت نیز در بیست و پنجم می ۱۹۹۳ به موجب قطعنامه شماره ۷۲۸ اساسنامه، دادگاه را تصویب کرد. (بیگزاده، ۱۳۷۴: ۶۰) پس از وقوع نسل‌کشی و دیگر نقض‌های سازمان یافته، گسترده و جدی حقوق بشردوستانه در رواندا، شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب قطعنامه ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ و متعاقب درخواست دولت رواندا دیوان کیفری بین‌المللی رواندا را به منظور تعقیب افراد مسئول قتل عام و سایر تخلفات جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی در قلمرو رواندا، بین اول ژانویه ۱۹۹۴ و ۳۱ دسامبر همان سال تاسیس کرد. (شیایزری، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۸۰)

آخرین حلقه از این مجموعه دیوان‌های بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد که از سال ۱۹۸۹ به طور پیگیر مساله تاسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی را دنبال کرده بود سرانجام توانست «اساسنامه تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی» را در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ (۲۶ تیر ۱۳۷۷) به تأیید اکثریت دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم برساند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قبل از هر چیز یک معاهده چندجانبه بین‌المللی است بدین معنا که شماری از دولت‌ها با یکدیگر توافق می‌نمایند که دادگاهی بین‌المللی مطابق با صلاحیت‌ها و وظایف مذکور در اساسنامه تشکیل گردد و متعهد می‌شوند که با محکمه جدید التاسیس همکاری نموده و آرای صادره از آن را اجرا نمایند. (شریعت باقری، ۱۳۷۷: ۸۰) در این خصوص باید توجه داشت که در مجموعه مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از اصطلاح محاکمه غیابی استفاده نشده، لکن «حضور متهم در دادرسی» در متن اساسنامه و در ماده ۶۳ مورد تصریح قرار گرفته است.

در حقوق کیفری ایران نیز پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ «در کلیه جرایم مربوط به حقوق‌الناس و نظم عمومی که جنبه حق‌اللهی دارند» محاکمه غیابی پذیرفته شده بود. با تصویب قانون آیین

دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۲ برابر ماده ۴۰۶ مقرر گردیده است: «در تمام جرائم، به استثنای جرائمی که فقط جنبه حق الهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می‌کند».

در ادامه ابتدا به بررسی اصل یا استثنا بودن محاکمه غیابی در دیوان‌های کیفری بین‌المللی می‌پردازیم و سپس ماهیت نظام یا نظام‌های دادرسی در حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از این طریق، اهم دیدگاه‌های این سیستم حقوقی به مسئله محاکمه غیابی را استخراج نماییم. چنانکه گفته شد، تفاوت بین سیستم‌های حقوقی داخلی کشورهای جهان باعث دشواری توافق بر یک رویکرد مشخص و دقیق در این خصوص شده است لذا در ادامه به بررسی اصولی موضوع و سپس شرایط محاکمه غیابی در حقوق بین‌الملل و تطبیق آن با حقوق ایران خواهیم پرداخت.

۱-۱- اصل یا استثنای محاکمه غیابی

در مورد مسئله محاکمه غیابی، نکته اول این است که اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا محاکمه غیابی را جایز ندانسته‌اند. (Sluiter & others, 2013: 1054)

یکی از دلایل اصلی ممنوعیت دادرسی غیابی در محاکمات کیفری بین‌المللی، عدم امکان کشف حقیقت بدون حضور و مشارکت متهم است. دوم، بر فرض که بتوان تحقیقات لازم را نیز انجام داد، با این حال، فایده‌ای بر رسیدگی غیابی مترتب نیست و با فلسفه دادرسی بین‌المللی مغایر است زیرا شخصی را که نتوان مجازات کرد محاکمه وی بلافایده است. برخی صاحب‌نظران عدم وجود مرور زمان را نیز از دلایل ممنوعیت محاکمات غیابی می‌دانند زیرا مرور زمان که یکی از دلایل کشورها برای محاکمات غیابی است در دادرسی‌های بین‌المللی وجود ندارد. (صابر، ناظریان، ۱۳۹۳: ۵۰) ماده ۲۱ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق و ماده ۲۰ اساسنامه دیوان رواندا مقرر می‌دارند «محاکمه باید با حضور متهم انجام شود». در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۶۳ تحت عنوان «محاکمه حضوری» مقرر شده است که محاکمه باید با حضور متهم باشد. مگر آنکه متهم در روند محاکمه اخلال نماید، که در این صورت متهم اخراج می‌شود. با این حال، در صورت لزوم، متهم اخراج شده باید بتواند خارج از شعبه و از طریق وسایل ارتباطی، روند محاکمه را مشاهده و توصیه‌های لازم را به وکیل مدافع خود بنماید. البته، طبق بند دوم همین ماده، اساسنامه اتخاذ چنین تدابیری را صرفاً به طور استثنایی می‌پذیرند. بنابراین، تنها در یک مورد رسیدگی غیابی به صراحت مورد توافق است و آنجایی است

که متهم اقدام به اخلال در نظم جلسه دادگاه نماید.

با وجود اینکه ممنوعیت محاکمه غیابی و لزوم حضور در جلسه دادگاه به عنوان یکی از حقوق متهم در تعهدات زیادی از اسناد مهم بین‌المللی ذکر گردیده و در حقوق داخلی بسیاری از کشورها، خصوصاً کشورهای که دارای نظام حقوقی کامن‌لا هستند، مورد تأیید واقع شده، همچنین زیر مجموعه اصولی تلقی می‌شود که در حقوق بین‌الملل به صورت قاعده عرفی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، اما اختلافات هنگام مذاکرات مربوط به تدوین اساسنامه رم باعث شد که هیچ اجماعی در زمینه محاکمه غیابی حاصل نشود. (Aghaei Janatmakan, 2010: 13) در پیشنویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که در سال ۱۹۹۴ از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه و تدوین شده بود، مقررات خاصی در خصوص رسیدگی به پرونده متهمانی که از حضور در دادگاه امتناع می‌ورزیدند، پیش بینی شده بود که مجموعه‌ای متفاوت از راه‌حل‌ها در آن وجود داشت، از جمله تجویز محاکمه غیابی تا اجباری کردن همه گزینه‌های حضور، قطع نظر از تمایل متهم برای مشارکت. (Ibid) سرانجام متن اساسنامه تحت عنوان «محاکمه در حضور متهم» در ماده ۶۳ چنین تنظیم گردید: «متهم باید در خلال محاکمه حضور داشته باشد». همانطور که گفته شد در مجموعه مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از اصطلاح محاکمه غیابی استفاده نشده، لکن «حضور متهم در دادرسی» در متن اساسنامه و در ماده ۶۳ مورد تصریح قرار گرفته است.

البته این اختصار و اجمال در بیان، دیوان کیفری بین‌المللی را در پرونده کشور کنیا با ابعاد بحث‌برانگیز و چالشی روبرو ساخت؛ چرا که از یک سو با توجه به اسناد متعدد بین‌المللی، حقوق کیفری بین‌الملل به سمت حق بودن حضور متهم در فرایند محاکمه گرایش داشت، و لذا امکان رسیدگی غیابی با صرف‌نظر نمودن متهم از حق خود مورد توجه قرار گرفته بود و از سوی دیگر متن اساسنامه دیوان اجمالاً الزام به حضور را تأیید می‌نمود. بنابراین در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حق حضور متهم در رسیدگی، به «الزام به حضور» تبدیل و تغییر یافت. (خبازی خادر، سیدزاده ثانی، ۱۳۹۸: ۲۹)

توضیح اینکه، هنگامی که متهم حق دارد در دادرسی حضور داشته باشد، این امر منافی با عدم امکان رسیدگی غیابی دادگاه نیست، مشروط بر آنکه متهم امکان آن را داشته باشد که از حق حضور در دادگاه استفاده نماید. اگر پذیرفته شود که حق متهم مبنی بر حضور در دادگاه مانع از رسیدگی غیابی می‌گردد، این امر را نیز باید پذیرفت که متهم با خودداری از حضور در دادگاه می‌تواند نهایتاً مانع از انجام دادرسی گردد. این تفسیر منتهی به «نتیجه‌ای آشکارا بی

معنی و نابخردانه» می‌گردد و باید مردود شناخته شود (David, 1995: 244) بعلاوه باید در نظر داشت که فرار متهم و خودداری او از استفاده از حقوقی که برای وی به رسمیت شناخته شده نباید اجرای عدالت را متوقف کرده و موجبات بی‌کیفرمانی و تضییع حقوق بزه‌دیدگان را فراهم سازد. در نتیجه حق شناخته شده برای متهم جهت حضور در دادرسی به معنای آن است که رسیدگی غیابی در مورد متهم جایز نیست، مگر آنکه متهم مطمئناً از تعقیب خود مطلع باشد. اگر این شرط عملی شده باشد و متهم از حق حضور خود در دادگاه استفاده نکند، در این حال دادگاه می‌تواند حکم غیابی صادر نماید.¹

در حقوق کیفری ایران نیز در کلیه جرایم مربوط به حقوق الناس و نظم عمومی که جنبه حق الهی ندارند؛ دادگاه می‌تواند رأی غیابی صادر نماید و همچنین در جرایمی که جنبه حق الهی دارد، چنانچه محتویات پرونده مجرمیت متهم را ثابت ننماید و تحقیق از متهم ضروری نباشد، دادگاه می‌تواند غیاباً رأی بر براءت صادر نماید. از ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ۲ آن و نیز ماده ۴۰۶ قانون جدید، معلوم می‌شود که در سه مورد صدور حکم غیابی جایز است که عبارتند از: جرائم مربوط به حق الناس، جرائم مربوط به نظم عمومی و بالاخره جرایم مربوط به جنبه حق الهی که محتویات پرونده دلالت بر مجرمیت متهم نداشته باشد. از این تقسیم‌بندی معلوم می‌شود که از نظر قانونگذار مفهوم حق الله و نظم عمومی لزوماً یکی نیست و برخی جرایم مربوط به نظم عمومی ممکن است فاقد جنبه حق الهی باشد مانند جرایم قاچاق کالا و ارز. (خالقی، ۱۳۹۶: ۲۶۳) در واقع با تصویب قانون جدید باید معتقد به این امر بود که با توجه به درج عبارت «در تمام جرائم، به استثنای جرایمی که فقط جنبه حق الهی دارند» در متن ماده ۴۰۶، جرائم حق الله محض قابل رسیدگی نمی‌باشند.

¹ - به عنوان نمونه، دادگاه اروپایی حقوق بشر در دعوی کرومباخ علیه فرانسه ضمن آنکه مقرر می‌دارد: «حضور متهم در دادرسی به چند دلیل ضروری است» با اقرار، محاکمه غیابی را می‌پذیرد و پذیرش آن را با رعایت تضمین‌هایی همراه می‌کند: متهم باید رسماً از اتهامات علیه خود مطلع باشد؛ دلایلی در دست باشد که وی عاقدانه از شرکت در جلسه محاکمه خودداری ورزیده است؛ متهم همواره از این حق برخوردار باشد که نزد دادگاه حاضر شده و تقاضا کند که محاکمه از نو آغاز شود، حتی اگر قبلاً محکوم شده باشد؛ متهم حق دارد برای دفاع از خود وکیل بگیرد (Aghaei Janatmakan, 2010: 7). همچنین ده سال پیش از گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد درباره تشکیل دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق، کمیته حقوق بشر اعلام کرده بود که در اوضاع و احوال استثنایی این امکان وجود دارد که شخصی به طور غیابی مورد محاکمه قرار بگیرد، مشروط بر آنکه متهم از جریان رسیدگی آگاه شده و برای حضور در دادگاه در زمانی مناسب که بتواند از خود دفاع کند، احضار شده باشد (Nikoyee, 2006 : 228)

۱-۲- محاکمه غیابی از منظر نظام‌های دادرسی بین‌المللی

ماهیت نظام دادرسی کیفری از لحاظ تفتیشی یا اتهامی بودن، تعیین‌کننده وضعیت محاکمه غیابی است از این رو هنگامی که گفته می‌شود که نظام دادرسی کشوری خاص، از نوع تفتیشی یا اتهامی است تا حد زیادی می‌توان تشخیص داد که با مقوله محاکمه غیابی چه برخوردی صورت گرفته است. تحولات اجتماعی و شکل‌گیری اندیشه‌های جدید در حوزه حقوق و حقوق بشر و رشد مفاهیم انسان‌مدارانه بین‌المللی، نه تنها مجموعه حقوق را به طور کلی دستخوش تغییر کرده است بلکه جزء جزء اندیشه‌ها و نهادهای حقوقی دچار دگرگونی‌های زیادی شده‌اند؛ به منظور بررسی موضوع محاکمه غیابی در یک بستر تطبیقی، در این قسمت نیز به منظور بحث دقیق در خصوص وضعیت نهاد محاکمه غیابی در حقوق بین‌الملل کیفری، ابتدا به بررسی نوع نظام یا نظام‌های دادرسی کیفری در حقوق بین‌الملل می‌پردازیم تا از این طریق، رویکرد کلی به نهاد محاکمه غیابی در حقوق بین‌الملل را استخراج و با حقوق ایران تطبیق نماییم.

لزوم علنی بودن دادرسی و الزامات ناشی از آن ریشه در نظام دادرسی اتهامی دارد و نظام دادرسی تفتیشی، اصولاً مبتنی بر محرمانه و غیر علنی بودن رسیدگی می‌باشد. در اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی موجود، انجام محاکمه سری تنها در صورت ضرورت به دلیل لزوم حمایت از قربانیان و شهود پیش بینی شده است. حق محاکمه علنی در بند ۲ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق به ماده ۲۲ اساسنامه مقید شده است. ماده ۲۲ این اساسنامه با عنوان «حمایت از قربانیان و شهود» دادگاه را مکلف کرده تا در قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات خود، حمایت از قربانیان و شهود را پیش بینی نماید. اقدامات حمایتی به این منظور، البته نه منحصرأ، شامل دادرسی غیرعلنی و حفاظت از هویت قربانیان خواهد بود. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در بند ۲ ماده ۶۸، استثنایی را در اصل علنی بودن دادرسی مطرح کرده است. طبق این ماده، شعب، دیوان می‌توانند برای حمایت از قربانیان و شهود یا متهم، هر بخشی از دادرسی را غیرعلنی اداره کنند، یا اجازه ارائه ادله را از طریق ابزار الکترونیکی یا دیگر وسایل مخصوص بدهند. چنین اقداماتی، به ویژه در مورد قربانی جنایت جنسی، یا کودکی که قربانی یا شاهد است، باید انجام گیرد، مگر آنکه با ملاحظه همه شرایط بویژه نظرات قربانی یا شاهد، دیوان به گونه دیگری تصمیم بگیرد». (رضوی فرد، قربان زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۶) آنچه که از مطالب مذکور قابل استنتاج است این است که خصیصه مذکور، از نظام دادرسی اتهامی وارد حقوق بین‌الملل کیفری و دادرسی‌های کیفری بین‌المللی شده است. چنانکه مشخص است، در

دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان کیفری یوگسلاوی سابق، طرح شکایت به مفهومی که در نظام دادرسی اتهامی رایج است، وجود ندارد بدین توضیح که در این دیوان‌ها، بزه دیده نمی‌تواند مستقیماً اقدام به طرح شکایت کند بلکه دولت است که وضعیت را به دیوان ارجاع می‌دهد. از این منظر، سیستم دادرسی در این دیوان‌ها بیشتر مشابه با سیستم دادرسی تفتیشی است. در خصوص سایر خصایص نظام‌های دادرسی یعنی شفاهی بودن محاکمه، تفکیک مرحله تعقیب و دادرسی و مسئله محاکمه غیابی، قواعد خاصی در دادرسی‌های بین‌المللی جاری است که بطور خاص منبعث از نظام حقوق بین‌الملل است که در بند بعدی بیان خواهد شد.

آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی بین مرحله تحقیقات و مرحله رسیدگی مقدماتی تفکیک قائل نشده‌اند. در رابطه با ارائه کیفرخواست در دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق یا بیان اتهامات در دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان می‌تواند این تفکیک را انجام دهد. در این مرحله تحقیقات پایان می‌یابد و مرحله رسیدگی مقدماتی شروع می‌شود. مرحله رسیدگی مقدماتی در دیوان کیفری بین‌المللی تنها با تأیید کیفرخواست از سوی قاضی شروع می‌شود و با ارائه ادله از سوی دادستان در محاکمه پایان می‌پذیرد و مفهوم آن این است که مدت بین ارائه کیفرخواست و تأیید قضایی جزء مرحله تحقیقات است، هرچند، معمولاً دادستان در این دوره تنها منتظر تصمیم قضایی است. (صابر، ناظریان، ۱۳۹۳: ۵۰)

در مورد مسئله محاکمه غیابی، نکته اول این است که اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا محاکمه غیابی را جایز ندانسته‌اند. (Sluiter & others, 2013: 1054) یکی از دلایل اصلی ممنوعیت دادرسی غیابی در محاکمات کیفری بین‌المللی، عدم امکان کشف حقیقت بدون حضور و مشارکت متهم است. دوم، بر فرض که بتوان تحقیقات لازم را نیز انجام داد، با این حال، فایده‌ای بر رسیدگی غیابی مترتب نیست و با فلسفه دادرسی بین‌المللی مغایر است زیرا شخصی را که نتوان مجازات کرد محاکمه وی بلافاصله است. برخی صاحب‌نظران عدم وجود مرور زمان را نیز از دلایل ممنوعیت محاکمات غیابی می‌دانند زیرا مرور زمان که یکی از دلایل کشورها برای محاکمات غیابی است در دادرسی‌های بین‌المللی وجود ندارد. (صابر، ناظریان، ۱۳۹۳: ۵۰)

از لحاظ تفکیک مرجع تعقیب از دادگاه، وجود قاضی حرفه‌ای در رأس محاکمات و کتبی بودن محاکمات، سیستم دادرسی ایران به سیستم دادرسی تفتیشی نزدیک است اما مسئله علنی بودن محاکمات و لزوم محاکمه حضوری، سیستم دادرسی ایران را به نظام اتهامی نزدیک

می‌کند. البته با لحاظ ابتدای سیستم تقنینی ایران بر مبانی اسلامی، نمی‌توان بطور کامل بر یکی از این دو نظام یا تلفیقی از آنها مبتنی دانست. در ادامه، مختصری از نظام دادرسی اسلامی و تاثر آن بر مفهوم دادرسی غیابی در حقوق ایران بیان خواهد شد. در خصوص ویژگی‌های نظام دادرسی کیفری در اسلام، خصایص ذیل را برای این نظام برشمرده‌اند: ۱- رسیدگی یک درجه‌ای ۲- وحدت مقام تحقیق و تعقیب ۳- وجود شرایط خاص برای قاضی ۴- حکومت نظام ادله قانونی ۵- علنی بودن محاکمه ۶- آزادی در تحصیل دلیل ۷- وجود نهاد هیات منصفه ۸- عدم لزوم طرح شکایت در جرایم حق‌اللهی ۹- اصل برائت. (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۵۱)

چنانکه از بیان این اصول به وضوح قابل استنباط است، نظام دادرسی کیفری ایران نه تنها به طور کامل با هیچیک از نظام‌های شناخته شده موجود قابل تطبیق نیست بلکه با اصول دادرسی کیفری در حقوق اسلام نیز تفاوت‌های زیادی دارد. در دادرسی کیفری اسلامی، اصولی برای اداره جریان رسیدگی بیان شده است که همگی مبتنی بر فرض لزوم حضور متهم در جلسه محاکمه می‌باشند. این اصول عبارتند از: اصل برائت (فضائلی، ۱۳۹۲: ۱۷۱) و حق برخورداری متهم از امکانات لازم برای دفاع (بهادری، حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰)

از دیدگاه فقه اسلامی رسیدگی غیابی جایز است. در بیان این مطلب در کتب فقهی تعبیری وجود دارد، که مکرراً تکرار شده است «یقضی علی الغائب بالبیئنه و الغائب علی حجة اذا حضر». البته، در برابر این روایت و امثال آن، روایاتی وجود دارد که از قضا علیه شخص غایب منع نموده است و در خصوص اینکه رسیدگی غیابی در چه مواردی مجاز است بحث‌های مفصلی در فقه انجام شده است. صاحب‌نظران برای توجیه این دسته از روایات و جمع آن با گروه او، وجوهی را ذکر نموده‌اند. نظر غالب این است که دعاوی به سه گروه تقسیم می‌شوند: اول دعاوی که موضوع آنها حق‌الناس محض است مثل قراردادهای دیون و تعهدات. دوم دعاوی مربوط به حقوق‌الله محض مانند دعاوی مربوط به حدودی از قبیل زنا و شرابخواری و سوم دعاوی که موضوع آنها دو جنبه حق‌الله و حق‌الناس را با هم داراست مثل سرقت. به اعتقاد فقها، دادرسی غیابی فقط در حق‌الناس جاری می‌شود و در حق‌الله رسیدگی باید به شکل حضوری برگزار شود. در استدلال بر این امر وجوهی ذکر شده است: اولاً رسیدگی غیابی جنبه احتیاطی داشته و برای حفظ حقوق افراد است و چنین چیزی در مورد خداوند مصداق ندارد. ثانیاً حقوق‌الله، که بیشتر در امور کیفری مطرح است، مبتنی بر مسامحه و تخفیف است و حتی اگر تردید و شبهه‌ای هم در میان باشد، قاعده درء، اجرای مجازات را منتفی می‌سازد. ثالثاً با توجه به اینکه اصل در دادرسی، حضوری بودن است و جواز محاکمه غیابی امری استثنایی است، لذا باید به

قدر متقین اکتفا کرده و دلایل مربوط به رسیدگی غیابی را بطور مضیق تفسیر نمود و از آنجا که روایات رسیدگی غیابی تماماً در مورد دعاوی مدنی و مالی وارد شده، باید معتقد بود که در حقوق الله، رسیدگی غیابی مشروع نیست. (شهریوری، ۱۳۹۶: ۳۲)

۲- مبانی محاکمه غیابی در حقوق تطبیقی

در نظام‌های دادرسی ملی و بین‌المللی نیز در خصوص محاکمه غیابی اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. در منشور دادگاه نورنبرگ، محاکمه غیابی به رسمیت شناخته شده بود اما در اساسنامه دادگاه‌های اختصاصی و موقت، محاکمه غیابی به رسمیت شناخته نشده است. در جریان طرح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مباحث قابل توجهی در رابطه با جواز یا عدم جواز محاکمات غیابی وجود داشت. موافقان محاکمه غیابی چنین استدلال می‌کردند که با توجه به مشکلات عملی فوق‌العاده در ارتباط با اجبار به احضار در محاکمات بین‌المللی، محاکمات غیابی ضروری به نظر می‌رسد. برخی صاحب‌نظران بیان کرده‌اند که در جریان طرح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مساله محاکمه غیابی غالباً به صورت نادرست و به عنوان یک انحراف اساسی از نظام قضایی کامن‌لا مطرح شد حال آنکه در نظام کامن‌لا نیز محاکمات غیابی در موارد استثنائی پذیرفته شده است. (شبت، ۱۳۹۶: ۱۵۹) در این گفتار، با هدف کشف ریشه‌های قواعد رایج در حقوق بین‌الملل، به بررسی نظام حقوقی کامن‌لا و نظام حقوقی رومی و ژرمنی خواهیم پرداخت. ضرورت طرح این مطالب، در بررسی مسائل مربوط به نسل سوم محاکم بین‌المللی نهفته است که در مبحث آتی بحث خواهند شد.

۲-۱- حقوق کامن‌لا

مساله محاکمه غیابی یکی از اختلافات بنیادین بین اکثر کشورهای حقوق نوشته و نظام کامن‌لا می‌باشد. (زاپالا، ۱۳۸۷: ۱۶۱) به طور کلی می‌توان گفت که در نظام کامن‌لا محاکمات غیابی ممنوع است چرا که در این نظام حقوقی، دادرسی به شیوه اتهامی بوده و اثبات حقیقت به صورت ترافعی به طرفین دعوا واگذار شده است. بنابراین اصل بر لزوم حضور در جلسات دادرسی است. به عبارت دیگر، کشورهای کامن‌لا همیشه حضور متهم را برای شروع به محاکمه ضروری می‌دانند. در نظام دادرسی اتهامی به عنوان سیستم غالب در کامن‌لا، برای ممنوعیت محاکمه غیابی دلایلی عنوان کرده‌اند از جمله اینکه محاکمه اساساً «دوتلی» میان دو طرف یعنی دادستان و متهم در جریان است، حضور طرف‌های نزاع ضروری است در غیر این صورت، جریان محاکمه به معنی واقعی ادامه پیدا نمی‌کند. (شمس، ۱۳۸۶: ۱۲۱) این رویکرد را می‌توان

در واقع منبعث از مبانی تاریخی نظام دادرسی اتهامی دانست. در بعضی کشورها نظیر آمریکا، ضرورت حضور در دادرسی و اصل محاکمه حضوری را براساس شرایط مقرر در قانون اساسی آن کشور توجیه می‌نمایند. دیوان عالی ایالات متحده آمریکا بیان کرده است که ممنوعیت محاکمه غیابی به دلیل وجود «شرطِ رودروئی» مندرج در قانون اساسی این کشور است. (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۹: ۳)

در نظام حقوقی کامن‌لا، رسیدگی غیابی به عنوان استثنایی بر اصل حضور متهم پذیرفته شده است. تنها استثنایی که در نظام‌های ترافعی برای عدم حضور متهم پذیرفته شده زمانی است که متهم با رفتار خود، جلسات رسیدگی را مختل کند یا هنگامی که احتمال فرار وی بعد از شروع به رسیدگی وجود داشته باشد. دیوان عالی کشور آمریکا نیز علیرغم مجاز ندانستن محاکمه غیابی در آن کشور، مقرر داشته است که چنانچه متهم، بعد از حضور در دادگاه، عمداً فرار کند تا مانع از پیشرفت روند محاکمه شود، جریان محاکمه ادامه می‌یابد. (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۹: ۵)

۲-۲- حقوق رومی و ژرمنی

در این نظام برخلاف نظام کامن‌لا، محاکمه غیابی پذیرفته شده است چرا که در این نظام، این اعتقاد وجود دارد که نباید به متهم اجازه داد که با فرار از محاکمه در اجرای عدالت اختلال ایجاد کند. از آنجایی که ترتیب دادرسی در نظام رومی- ژرمنی دادرسی به صورت تفتیشی انجام می‌شود، جمع آوری ادله به عهده مقام قضایی گذاشته می‌شود بدین ترتیب، این نظام معتقد است که مقام قضایی این ادله را برای هر دو طرف دعوا جمع آور می‌کند بنابراین هنگامی که روند محاکمات آغاز می‌شود دادگاه مدارک توجیهی به نفع متهم را نیز در دست دارد. از جمله کشورهای تابع حقوق مدون که محاکمه غیابی را تجویز می‌کنند می‌توان از اتریش و آلمان نام برد. (طباطبایی لطفی، نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۰۱)

در حقوق این دو کشور رسیدگی غیابی در مواردی تجویز شده است. در این کشورها اصل کنترل طرف دعوی بر ادعاها و ادله ابرازی، خود را در رسیدگی غیابی هم نشان می‌دهد. ادعاهای شخصی که غایب نیست تا جایی که مورد اعتراض قرار نگرفته‌اند باید صحیح تلقی شوند. در اتریش این اصل علیه هر دو طرف دعوی به طور یکسان اعمال می‌شود. ادعاهای شخصی که قصوری نکرده صحیح تلقی می‌شوند و بدون تحقیق بیشتر، اساس تصمیم دادگاه علیه شخص غایب را تشکیل می‌دهند مگر اینکه دلیل مخالف این ادعاها نیز نزد دادگاه وجود داشته

باشد یا ادعاها با واقعیاتی که قبلاً محرز شده‌اند مغایر باشد. (طباطبایی لطفی، نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۰۲)

چنانکه پیش از این بیان شد برخی نویسندگان معتقدند که پذیرش نهاد محاکمه غیابی ارتباط چندانی با نظام تفتیشی که در کشورهای حقوق نوشته حاکم است، ندارد زیرا برای مثال، کشورهای نظیر ایتالیا، علی‌رغم پذیرش نظام اتهامی، محاکمه غیابی را نیز جایز دانسته‌اند. در مقابل، کشورهای نظیر اسپانیا و آلمان، که نظام تفتیشی را انتخاب کرده‌اند، محاکمه غیابی را مناسب نمی‌دانند. البته به منظور ایجاد ارتباط بین این دو رویکرد به ظاهر متعارض، دو دلیل مطرح شده است: دلیل اول آنکه این کشورها حق حضور متهم در محاکمه را به عنوان یک حق بنیادی بشر تلقی کرده‌اند. دوم آنکه این کشورها عقیده دارند که محاکماتی که در جهت دستیابی به هدف نهایی محاکمات کیفری، یعنی اجرای عدالت، نباشد، بی‌فایده است. (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۹: ۷)

در اکثر نظام‌های حقوقی مدون فرض بر این است که منافع عمومی جامعه در هنگام صدور رأی در جرایم کیفری باید بر حق حضور متهم در دادگاه ترجیح داده شود به ویژه اگر متهم با اختیار خود از حضور در دادگاه خودداری نموده باشد. (لنگویی، لوبیگر، ۱۳۸۵: ۷۹) به عبارت دیگر، در نظام تفتیشی منافع عمومی بر حقوق متهم، بیش از نظام اتهامی ترجیح دارد. البته در نظام حقوق مدون برگزاری محاکمات غیابی را در صورتی جایز می‌دانند که تاثیر این نظرگاه بر مجموعه‌ای از ضمانت اجراهای حقوقی در خصوص متهم رعایت گردد. (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۹: ۸)

۳- آثار محاکمه غیابی در حقوق کیفری بین‌الملل و حقوق ایران

هنگامی که با احراز وجود شرایط، محکمه اقدام به برگزاری جلسه محاکمه به صورت غیابی می‌نماید، اولین استنتاج منطقی آن است که رای صادره قابل اعتراض است. قابلیت اعتراض رای محکومیت در حال حاضر به عنوان اصل شناخته می‌شود که استثنائاتی بر آن وارد شده است که در ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده‌اند. اما صدور رای محکومیت متهم به صورت غیابی، حق رسیدگی مجدد برای شخص محکوم را بوجود می‌آورد که از آن به عنوان «واخواهی» یاد می‌گردد. امروزه حق واخواهی از آرای غیابی یکی از حقوق شناخته شده ملی و بین‌المللی برای متهمان محسوب می‌شود. منصفانه بودن دادرسی، اصل تناظر، برابری سلاحها و حق دفاع برابر، ایجاب می‌نماید تا متهم در صورت غیبت در جلسه دادرسی، این حق

را داشته باشد که به حکم غیابی اعتراض نماید ضمن اینکه مهمترین مبنای این حق، اصل رعایت حقوق دفاعی می‌باشد. (رضایی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان ادعا نمود که روند و رویکرد یکسانی در خصوص مسئله محاکمه غیابی در دادگاه‌های بین‌المللی وجود ندارد. نتایجی که از مباحث فوق بدست آمد عبارتند از: اول، در دیوان یوگسلاوی و رواندا اصولاً امکان برگزاری جلسه محاکمه به صورت غیابی مقرر نشده است و محاکمه لزوماً باید به صورت حضوری برگزار شود. دوم، در دادگاه نورنبرگ و توکیو، برگزاری محاکمه غیابی مجاز اعلام شده است اما شرایط آن در هر مورد متفاوت است بدین صورت که در دادگاه نورنبرگ، صلاحدید شعبه رسیدگی کننده، تنها مؤلفه امکان برگزاری محاکمه غیابی است و در دادگاه توکیو، اصولاً سخنی از حق حضور متهم در دادگاه مطرح نیست. در دادگاه ویژه لبنان، برگزاری محاکمه غیابی در سه حالت میسر است: یک- متهم، حق حضور خود را ساقط کرده باشد. دو- متهم متواری باشد و سه- کشور صالح، متهم را در دیوان حاضر نکند. در دیوان بین‌المللی کیفری نیز، علاوه بر تکرار رویه دادگاه ویژه لبنان، یک مورد دیگر از تجویز دادرسی غیابی وجود دارد و آن زمانی است که متهم باعث اختلال در نظم دادگاه شود که در این صورت، از جلسه اخراج می‌شود ولی حق اطلاع از فرایند رسیدگی را خواهد داشت. با عنایت به مطالب فوق، در این قسمت از مقاله، به بررسی آثار محاکمه غیابی در دادرسی‌های مارالذکرو حقوق داخلی ایران خواهیم پرداخت.

۳-۱- حق اعتراض

حق اعتراض به رای محکومیت غیابی، مهمترین حق متهم در یک دادرسی غیابی است. سوال این است که چنین حقی در دادرسی کیفری بین‌المللی برای محکوم علیه رای غیابی نیز وجود دارد یا خیر؟ و وضعیت حقوق ایران در این باره چگونه است؟ در اساسنامه دادگاه توکیو هیچ اشاره‌ای به حق اعتراض متهم به رای محکومیت غیابی نشده است. در دادگاه نورنبرگ نیز اگر چه در ماده ۱۲ به صراحت امکان برگزاری محاکمه غیابی مقرر شده است اما هیچ مقرره‌ای در خصوص حق اعتراض به رأی محکومیت غیابی در اساسنامه این دادگاه نشده است. «تصمیم دادگاه در خصوص محکومیت یا برائت هر متهمی باید مستند و مستدل باشد. رای دادگاه قطعی و غیرقابل بازبینی است».

در دیوان کیفری بین‌المللی، چنانکه بیان شد، رسیدگی غیابی در دو حالت پیش بینی شده است؛ اول در حالتی که متهم باعث اختلال در نظم دادگاه شود و از دادگاه اخراج شود و دوم،

در مرحله رسیدگی مقدماتی اگر متهم حق حضور را از خود ساقط کرده باشد و یا متواری بوده و در دسترس نباشد. در واقع، هیچیک از این موارد، رسیدگی غیابی در معنای شناخته شده آن در حقوق ایران نیست. در مورد اول یعنی اخراج از جلسه دادگاه، متهم در فرایند دادرسی حضور دارد بنابراین رسیدگی، غیابی نیست و در مورد دوم یعنی رسیدگی غیابی در مرحله مقدماتی، مختص نظام تأیید اتهامات است که در این مرحله، قاضی شعبه در یک جلسه خاص، به بررسی کیفر خواست دادستان می‌پردازد. در حالی که کیفرخواست می‌تواند بدون حضور متهم تأیید شود و دادستان می‌تواند حتی به موجب ماده ۱۶ رسیدگی غیابی نماید، اما علی‌الاصول، اتهامات متهم در صورتی تأیید می‌شود که وی حضور داشته باشد. این مهم، در بخش دوم ماده ۱۶ اساسنامه بیان شده است. در نتیجه، محاکمه در دیوان کیفری بین‌المللی، اصولاً غیابی (در معنای محاکمه غیابی در فقه و حقوق ایران) نیست. مبتنی بر این مقررات، حق اعتراض به رأی غیابی نیز در اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش بینی نشده است. به عبارت دیگر، رسیدگی در دیوان، اتهامی است و بدون حضور متهم، جلسه دادرسی در مرحله رسیدگی مقدماتی متوقف می‌شود.

چنانکه در بررسی نسل سوم دادگاه‌های بین‌المللی مشخص شد، تنها دادگاه ویژه لبنان است که صراحتاً به شرایط و چگونگی برگزاری محاکمه غیابی پرداخته است. بند سوم از ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان مقرر می‌دارد «در صورت محکومیت غیابی متهمی که وکیل انتخابی در دادگاه نداشته است، نامبرده حق بر محاکمه مجدد به صورت حضوری را خواهد داشت مگر اینکه رای دادگاه را بپذیرد».

در مبنای رسیدگی و صدور رای غیابی بیان شد که امکان برگزاری جلسه به صورت غیابی، مشروط به شرایطی است که علاوه بر نوع جرایم، عدم حضور متهم یا وکیل او در جلسات دادگاه است. طبق ماده ۴۰۶ «هرگاه متهم یا وکیل او در هیچیک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی رای غیابی صادر می‌کند...» چنانکه ملاحظه می‌گردد، شرطی که رای را به رای غیابی تبدیل می‌کند، عدم حضور متهم یا وکیل او در جلسات دادگاه و همچنین صدور رای بر محکومیت متهم است. واخواهی حقی برای محکوم علیه رأی غیابی می‌باشد یعنی شاکی یا دادستان یا رئیس حوزه قضایی و ... حق واخواهی ندارند چرا که اصولاً رأی صادر شده در خصوص آنها غیابی محسوب نمی‌گردد. هم-چنین معاون یا شریک متهم که حاضر بوده یا لایحه داده‌اند، حق واخواهی نخواهند داشت. در خصوص تعدد متهمان قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۳۶۵ چنین مقرر

کرده است که «هر گاه در پرونده‌ای متهمان متعدد باشند و یا متهم اصلی، شریک و معاون داشته باشد، حتی اگر به یک یا چند نفر از آن دسترسی نباشد، دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور رأی است، مگر اینکه رسیدگی غیابی جایز نباشد و یا نسبت به برخی از متهمان به هر دلیل نتوان رأی صادر کرد. در اینصورت، دادگاه پرونده را نسبت به این متهمان مفتوح نگه می‌دارد».

در حقوق کیفری ایران واخواهی اثر باز دارنده و تعلیقی یا توقیفی دارد. اثر تعلیقی یعنی اینکه تا وقتی که مهلت اعتراض و تجدیدنظر از احکام کیفری منقضی نگردیده است با اعتراض و تجدیدنظر نسبت به حکم بدوی تا خاتمه رسیدگی مرحله تجدیدنظر یا واخواهی و صدور حکم، اجرای حکم متوقف می‌گردد. مطابق تبصره ۲ ماده ۴۰۶ «حکم غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن واخواهی نشود، پس از انقضای مهلت‌های واخواهی تجدیدنظر یا فرجام به اجرا گذاشته می‌شود. هرگاه حکم دادگاه ابلاغ واقعی نشده باشد، محکوم علیه می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ اطلاع، واخواهی کند که در این صورت، اجرای رأی، متوقف و متهم تحت الحفظ به همراه پرونده به دادگاه صادرکننده حکم اعزام می‌شود. این دادگاه در صورت اقتضاء نسبت به اخذ تأمین یا تجدیدنظر در تأمین قبلی اقدام می‌کند».

۳-۲- سایر حقوق متهم

حق اعتراض به رأی غیابی اصولاً مستلزم این است که تمام حقوق دفاعی متهم برای او لحاظ گردد. بدین توضیح که اگر متهمی، حق داشته باشد که به رأی محکومیت غیابی خود اعتراض کند، طبیعتاً باید تمام تضمینات دادرسی که در رسیدگی اولیه برای او وجود دارد، در رسیدگی ثانویه نیز وجود داشته باشد. از جمله این حقوق می‌توان به حق پرسش از شهود، حق آگاهی از دلایل اتهام، حق استفاده از وکیل مدافع و بطور کلی، تمام حقوق دفاعی اشاره کرد. باتوجه به اینکه در دیوان یوگسلاوی و دیوان رواندا، امکان محاکمه غیابی متهم وجود ندارد، طبعاً، حق اعتراض یا واخواهی و همچنین سایر حقوق دفاعی در مرحله اعتراض به رأی غیابی یا رسیدگی مجدد مطرح نمی‌شود. دادگاه نورنبرگ نیز در ماده ۲۶ اساسنامه خود اعلام کرده است که تمام آرای این دادگاه قطعی و غیرقابل بازبینی است که آرای غیابی نیز مشمول همین گزاره می‌شوند. دادگاه توکیو نیز هیچ اشاره‌ای به حق اعتراض متهم نکرده است و در مقابل، در ماده‌ای مشابه با ماده ۲۶ دادگاه نورنبرگ تمام آرای صادره را قطعی و غیرقابل بازبینی اعلام کرده است. ماهیت اتهامی یا ترافی بودن دادرسی در دادرسی‌های دیوان کیفری بین‌المللی

نیز جریان دارد بدین توضیح که، در این دیوان، مرحله رسیدگی به اتهامات یا مرحله دادرسی اصلی نمی‌تواند به صورت غیابی برگزار گردد و تنها مرحله رسیدگی مقدماتی است که می‌تواند بصورت غیابی برگزار گردد. در این مرحله نیز، اگر متهم غایب باشد، قاضی مقدماتی تنها اجازه برگزاری جلسه و بررسی کیفرخواست دادستان را دارد و در صورت غیبت متهم، رسیدگی در همین مرحله متوقف می‌شود و کیفرخواست تایید نخواهد شد اما در صورت دستگیری متهم یا حضور وی در دیوان، رسیدگی ادامه خواهد داشت و طبعاً، نامبرده از حقوق دفاعی نیز برخوردار خواهد بود. (شهریوری، ۱۳۹۶: ۶۳)

نتیجه گیری

در رسیدگی‌های کیفری اصل بر رسیدگی حضوری است. رسیدگی غیابی به پرونده‌ها استثنایی بر این اصل است. به همین دلیل، در نظام حقوق بین‌المللی در خصوص تجویز یا ممنوعیت محاکمه غیابی تردیدهای فراوانی وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حقوق بین‌المللی عرفی و حقوق بین‌المللی قراردادی در دستیابی به یک راه حل بینابین که از یک طرف، حقوق متهمان رعایت شود و از طرف دیگر، جنایات بین‌المللی بدون تعقیب، محاکمه و مجازات نماند، ناکام بوده است. در حقوق کیفری ملی به‌ویژه در نظام حقوقی نوشته و حقوق دادرسی اسلامی برگزاری محاکمه غیابی امری مسلم و پذیرفته شده است. لکن در نظام حکومتی کامن‌لا جز در موارد استثنایی محاکمه غیابی پذیرفته نیست با این حال به نظر می‌رسد تجویز یا ممنوعیت محاکمه غیابی تابعی از شرایط و اوضاع و احوال است. تصریح اسناد بین‌المللی به حق حضور متهم در جلسات دادرسی مانع از رسیدگی غیابی نیست.

در واقع ممنوعیت محاکمه غیابی که در حقوق بین‌الملل کیفری مورد توجه قرار گرفته است یکی از بارزترین اموری است که محاکمه منصفانه را تضمین می‌کند. این مسئله در اغلب اسناد بین‌المللی ذکر گردیده و آن را حق متهم می‌داند، اما دیوان کیفری بین‌المللی برای این موضوع دو وجه قائل است، از سویی حضور متهم در دادرسی را از جمله حقوق وی محسوب می‌نماید و از سوی دیگر آن را وظیفه‌ای بر دوش متهم قرار می‌دهد که باید از آن تبعیت کند که البته این رویکرد تا حدی متفاوت از اصل پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل می‌باشد.

قاعده کلی در خصوص وضعیت محاکمه غیابی در حقوق ایران این است که در مسائلی که جنبه حق‌اللهی دارند رسیدگی غیابی جایز نیست بلکه تنها در دعوی حق‌الناسی است که می‌توان محاکمه را به صورت غیابی برگزار کرد. این قاعده، مبتنی بر حقوق اسلام است. در

رسیدگی به اتهامات یک متهم در حقوق اسلام، اولاً آن جرایمی که جنبه حق‌اللهی دارند، نباید به صورت غیابی مورد محاکمه قرار گیرند و ثانیاً، جنبه حق‌اللهی جرایم حق‌الناسی نیز مشمول همین منع می‌شوند. یعنی اگر جرم، هم دارای جنبه حق‌اللهی باشد و هم حق‌الناسی، تنها جنبه حق‌الناس جرم را می‌توان بصورت غیابی محاکمه کرد. در خصوص این استثنائات، مورد سومی را هم می‌توان نام برد که از اصل برائت قابل استنباط است. توضیح آنکه اصل برائت در دو مورد قابل اعمال است؛ اول، فعل ارتكابی جرم نباشد و دوم، دلیل بر ارتكاب جرم در بین نباشد. در هر دو حالت می‌توان گفت که اگر رسیدگی غیابی به جنبه حق‌اللهی جرایم مستلزم برائت متهم باشد، امکان محاکمه غیابی و تبرئه متهم منع نشده است.

در حقوق ایران صدور رای محکومیت متهم به صورت غیابی، حق رسیدگی مجدد برای شخص محکوم را به وجود می‌آورد که از آن به عنوان «واخواهی» یاد می‌گردد. در صورت اعتراض به حکم غیابی، همان دادگاه مجدداً می‌تواند به موضوع رسیدگی نماید. در بحث آثار محاکمه غیابی در حقوق کیفری بین‌الملل نیز این نتیجه حاصل شد که در بررسی نسل سوم دادگاه‌ها تنها دادگاه ویژه لبنان است که صراحتاً به شرایط و چگونگی برگزاری محاکمه غیابی پرداخته است همچنین تنها دادگاه ویژه لبنان است که صریحاً، امکان محاکمه غیابی و محکومیت غیابی متهم را بیان کرده است.

منابع فارسی

کتاب

- آندره لنگویی، ارت لوییگر (۱۳۸۵)، تاریخ آیین دادرسی جنایی، ترجمه، محمدرضا گودرزی و لیلا مقدادی، تهران، انتشارات جنگل
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جاودانه
- شبت، ویلیام (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، باقر میرعباسی و حمید الهوئی نظری (مترجمان)، تهران، جنگل
- شمس، عبدالله (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک
- شیاپزری، کریانک ساک کیتی (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل کیفری، تهران، انتشارات سمت
- صابر، محمود (۱۳۸۸)، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، تهران، دادگستر
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۸)، آیین دادرسی مدنی جلد ۱ و ۲، تهران، انتشارات پایدار

مقالات

- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۸۹)، دادرسی غیابی در امور کیفری، مبانی و دلایل، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره اول
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۷۴)، سازمان ملل متحد، محاکم کیفری بین‌المللی، تئوری و عمل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸
- بهزاد رضوی فرد، حسین قربان زاده (۱۳۹۵)، حق بر علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷ شماره ۱
- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۸۸)، دورنمای کیفرهای بین‌المللی در تعامل میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق کیفری بین‌المللی، تازه‌های علوم جنایی، شماره ۲۳
- سیده لطیفه حسینی، بهادری جهرمی (۱۳۹۳)، اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوقی داخلی، مجله مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۷
- سیده طاهره خبازی خادر، سید مهدی سیدزاده ثانی (۱۳۹۸)، محاکمه غیابی در دیوان کیفری بین‌المللی تأثیر متقابل پرونده کنیا و مصوبات مجمع عمومی کشورهای عضو، پژوهشنامه سیاست بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۵)

- صالحی، محمد خلیل (۱۳۸۰)، مقایسه اساسنامه دادگاه یوگسلاوی، نورنبرگ و دیوان کیفری بین‌المللی (از حیث منشأ حقوقی و صلاحیت)، مجله پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۲۵ و ۲۶

- عصمت السادات طباطبایی لطفی، زینت نعمتی (۱۳۹۰)، دادرسی غیابی در فقه اسلامی و برخی نظام‌های حقوقی معاصر، مطالعات فقهی و فلسفی، سال دوم، شماره ۶
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۲)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، انتشارات شهر دانش

- محمود صابر، حسین ناظریان (۱۳۹۳)، مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۴
- یکویی، سمیه (۱۳۸۵)، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷

پایان نامه

- شهریوری، حمیدرضا (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی محاکمه غیابی متهم در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند

English References

Books

- David, E. (1995), **International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia**, (Translation: Rahimi, M.), *International Law review*, 13(18-19) [in Persian]
- Goran Sluiter and Friman, and Hakan Linton, et al (2013), **International Criminal Procedure: Principles and Rules**, Oxford, Oxford University Press

Articles

- Aghaei Janatmakan, H. (2010), **Absentia trial in criminal matters; Basics and reasons**, *Journal of Legal Studies*, 2(1) [in Persian]
- Aghaei Janatmakan, H. (2010), **Special tribunal for Lebanon; A different perspective in international criminal law**, *Private Law Studies Quarterly*, 39(2) [in Persian]
- Nikoyee, S. (2006), **The requirements of a public hearing in the light of fair trial**, *The Judiciary Law Journal* 70(56-57) [in Persian]